

نگاهی به نسخه خطی اخبارالاصفیا

دکتر رضوان الله آروی ♦

چکیده

در تاریخ تذکره‌نویسی صوفیه «اخبارالاخیار» شهرتی بسزا دارد. هم متن فارسی و هم تراجم اردوی این تصنیف شیخ عبدالحق محدث دهلوی بارها چاپ شده است. اما «اخبارالاصفیا» بر طبق اطلاع بنده تا حال به چاپ نرسیده و ناشناس مانده است. نویسنده این تذکره شیخ عبدالصمد بن افضل محمد معاصر شیخ عبدالحق بود و فقط پانزده سال پس از «اخبارالاخیار» این کتاب را به وجود آورده است. «اخبارالاصفیا» از لحاظ تاریخ و فرهنگ به «اخبارالاخیار» پهلو می‌زند و دارای همه آن ویژگی‌هایی است که «اخبارالاخیار» در بردارد. نسخه‌های خطی «اخبارالاصفیا» در کتابخانه‌های مختلف هند نگهداری می‌شود، و یکی از آن‌ها نسخه کتابخانه خدابخش، در شهر پتنه است. منظور نویسنده این مقاله معرفی همین نسخه است.

واژگان کلیدی

اخبارالاخیار، اخبارالاصفیا، تذکره صوفیه، شیخ عبدالحق محدث دهلوی، شیخ عبدالصمد بن افضل محمد.

تذکره جامع صوفیه «اخبارالاصفیا» در قرن پانزدهم هجری به نگارش درآمده است. زمانی شیخ عبدالحق محدث دهلوی «اخبارالاخیار» را از خود به یادگار گذاشت

کہ فن تذکرہ نویسی در ادبیات فارسی تکامل یافته بود. «اخبار الاخیار» فقط پانزدہ سال قبل از «اخبار الاصفیا» بہ وجود آمدہ است. نویسندہ «اخبار الاخیار» شیخ عبدالحق محدث دہلوی و نگارندہ «اخبار الاصفیا» شیخ عبدالصمد بن افضل محمد معاصر یکدیگر بودند. بہ ہمین سبب، آنان کہ «اخبار الاصفیا» را مورد بررسی قرار دادہ اند، حدس زدہ اند کہ «اخبار الاصفیا» بہ دنبال «اخبار الاخیار» نوشتہ شدہ است. در این مورد قاضی اطہر مبارکپوری می نویسد:

”عجب کیا ہے کہ اخبار الاخیار کے تتبع میں اخبار الاصفیا لکھی گئی ہو۔ اس کا انداز بڑی حد تک اخبار الاخیار سے ملتا جلتا ہے۔ دونوں کتابوں کے مطالعہ کے بعد اس کا اندازہ ہو سکتا ہے۔“ (شگفت انگیز نیست اگر «اخبار الاصفیا» بہ دنبال «اخبار الاخیار» نوشتہ شدہ است. روش نگارش این کتاب بہ «اخبار الاخیار» تقریباً نہ کاملاً، شباهت دارد. پس از مطالعہ این ہر دو کتاب چنین بنظر می آید^۱.)

قاضی اطہر مبارکپوری آن نسخہ خطی «اخبار الاصفیا» را مورد بررسی قرار دادہ اند کہ در تصرف خود او بودہ و پژوهشگران از آن مطلع نبودند. قبل از مقالہ قاضی اطہر، نویسندگان فقط سہ نسخہ خطی «اخبار الاصفیا» را تذکر دادہ اند. مولانا امتیاز علی خان عرشی نوشتہ اند:

« شیخ محدث دہلوی کے ایک معاصر شیخ عبدالصمد بن افضل محمد بن یوسف انصاری نے، جو شیخ ابوالفضل کا بھانجا ہے، ۱۰۱۵ھ میں ایک تذکرہ لکھا تھا۔ اس میں تقریباً انہی حضرات کا تذکرہ کیا گیا ہے جو اخبار الاخیار میں مذکور ہیں۔ اس کے تین نسخوں کا پتہ چلتا ہے۔ جس میں سے ایک پٹنہ میں ہے۔» (معاصر شیخ محدث دہلوی عبدالصمد بن افضل محمد بن یوسف انصاری کہ خواہر زادہ ابوالفضل است، در سنہ ۱۰۱۵ ہجری تذکرہ ای نوشتہ و کمابیش همان صوفیہ را تذکر دادہ کہ در «اخبار الاخیار» نامبردہ شدہ اند. سہ نسخہ خطی از این تذکرہ را می شناسیم کہ یکی از آنہا در پٹنہ است^۲.)

آقای عرشی نشان ندادند کہ دو نسخہ دیگر کجاست. لازم بہ تذکر است کہ یک

۱. مقالہ اخبار الاصفیا، قاضی اطہر مبارکپوری، ص ۲۶۱.

۲. مقالہ حضرات صوفیاء کے تذکرے، مولانا امتیاز علی خان عرشی، ص ۲۰.

نسخه خطی «اخبارالاصفیا» در کتابخانه مولانا آزاد، علیگره به ذخیره عبدالحی تحت شماره ۸۵/۳ مضبوط است.^۱ فهرست‌نگار کتابخانه خدابخش اشاره به نسخه خطی دیگر «اخبارالاصفیا» کرده است که در کتابخانه اندیا آفس نگهداری می‌شود.^۲

قاضی اطهر مبارک‌پوری ضمن معرفی نسخه خطی خود، اطلاع می‌دهد که این نسخه مشتمل بر ۱۵۶ ورق (۳۱۲ صفحه) است و هر صفحه دارای پانزده سطر خط خوانا، و اسم کاتب این نسخه شیخ ناصرالدین محمد بن نظام‌الدین احمد بن محمد عبدالله بن نظام‌الدین است. این نسخه در شهر اراکات (محلّی در جنوب هند) در سنه ۱۱۶۰ هجری کتابت شده است. اگر معرفی نسخه قاضی اطهر و نسخه خدابخش را در نظر داشته باشیم، چنین به نظر می‌رسد که هر دو نسخه یک جور و مشابه به یکدیگر هستند. مثلاً:

۱. در هر دو نسخه شرح حال بیش از ۲۶۰ صوفی بیان شده است که همه تعلق به هند دارند.
 ۲. ترتیب هر دو نسخه زمانی است. یعنی از لحاظ سال وفات تقدّم و تاخّر را قرار گذاشته‌اند.
 ۳. در آغاز هر دو نسخه ذکر خیر حضرت شیخ عبدالقادر جیلانی^۳ است و پس از آن ذکر پُربرت حضرت خواجه معین‌الدین چشتی آمده است.
 ۴. پس از ذکر حضرت سید احمد بهاری^۴ (م ۱۰۱۵ هـ) نویسنده، صوفیه معاصر خودش را مورد بررسی قرار داده است. اما در آخر نسخه خدابخش تذکره چهار صالحات است، که شامل مادران گرامی حضرت خواجه فریدالدین گنج‌شکر^۵ و حضرت خواجه نظام‌الدین اولیاء است. شاید این تذکره صالحات در نسخه قاضی اطهر مبارک‌پوری نیست. زیرا که ایشان در باره این صالحات هیچ تذکر نداده‌اند.
- احوال نویسنده «اخبارالاصفیا» عبدالصّمد بن افضل محمد بن یوسف انصاری زیاد در دست نیست. شیخ مبارک بن خضر ناگوری^۶ (م ۱۰۰۱ هـ) جدّ مادری، و مؤرخ شهیر

۱. خدابخش جرنل، شماره ۷۴-۶۹، ص ۶.

2. Catalogue of Persian manuscripts, Vol. viii. P. 30.

ابوالفضل عموی مادری ایشان بودند، و عبدالصمد کتاب «انشای ابوالفضل» و «مکاتبات ابوالفضل» را ویراسته برای چاپ آماده کرده بود. خود عبدالصمد در مقدمه «مکاتبات ابوالفضل» این حقیقت را اعتراف کرده است:

«من که عبدالصمد افضل محمد در والادید آن ارسطوی اسکندر رابطه همشیره‌زادگی و نسبت فرزندی داشتم و منظور نظر و تربیت او بودم، این گلدسته فرهنگ را به جهت ادراک سعادت خود دانسته در فراهم آوردن آن کمر سعی برستم و در انتظام آن نظر همت برگماشتم... و عنوان هریک را به قدر دریافت خود نگاشته سه‌قسم ساختم»^۱.

قاضی اطهر مبارک‌پوری، عبدالصمد را مجمع‌البحرین و نجیب‌الطرفین قرار داده می‌نویسد که شخصیات مهم مانند شیخ افضل (م ۱۰۰۳هـ) شیخ یوسف (م ۹۹۴هـ) شیخ عبدالله دانشمند (م ۹۴۶هـ) شیخ یعقوب و شیخ نصیرالدین تمیمی انصاری اکبرآبادی، اجداد گرامی ایشان بودند. شیخ نصیرالدین به عهد سلطان بهلول لودی از ملتان به آگره رسید و اقامت گزید. ایشان در علم فقه و فتوی‌نویسی قدرت و مهارت داشت.^۲

نسخه اصل و قدیم «اخبار الاصفیا» که در کتابخانه خدابخش در تحت شماره ۱۸۷ مضبوط است، آنقدر آسیب دیده که ترقیمه ناخوانا شده است. اسم کاتب و سنه کتابت هم آشکار نیست. این نسخه ۱۲۴ ورق و در هر صفحه هفده سطر است. اوراق این نسخه از هم گسیخته بود، چنان‌که فهرست‌نگار کتابخانه خدابخش نوشته است:

"The binding is in a damaged condition, all the folios being loose."^۳

مولوی شهاب‌الدین خدابخش، معتمد کتابخانه آن دوره، از قدمت و ارزش این نسخه آگاه و مطلع بود. ایشان به کمک یک دوست دانشمند خود، این نسخه را رونویسی و نسخه‌برداری کرد. کاتب محمد فضل‌الباری در سنه ۱۳۲۳ این نسخه را استنساخ کرده است. او در ترقیمه می‌نویسد:

۱. مکاتبات علامی ابوالفضل، دفتر اول، ص ۳.

۲. مقاله اخبار الاصفیا، قاضی اطهر مبارک‌پوری، مطبوعه خدابخش جرنل، شماره ۷۴-۶۹، ص ۲۶۰.

3. Catalogue of Persian manuscripts, Vol. viii, P. 30.

«حسب الارشاد عالی جناب معلى القاب جناب مولوى شهاب‌الدین خدابخش خان صاحب معتمد کتابخانه عمومیه بانکی پور. این نسخه متبرکه به تاریخ چهارم شعبان ۱۳۲۳هـ در بلده عظیم آباد اختتام یافت. کتبه عبد المذنب عاجز محمد فضل الباری».

در این کار دوست صمیمی مولوی شهاب‌الدین خدابخش، غلام‌عباس معروف به محمد عبدالله او را کمک کرده است. او خودش در آخر این نسخه توضیح داده است: «این نقل صحیفه است در احوال تقدس مآب خدایپرستان تارک‌الدنیا حضرات اولیای کرام و صوفیة عظام، علیه‌الرحمة والسلام، اعنی کتاب «اخبارالاصفیا» مصنفه علامه عبدالصمد بن افضل محمد بن یوسف الانصاری که به نهج الباقیات الصالحات مبارک یادگاری ما بعد خود گذاشته، به استعانت قرأت این هیچ‌مدان غلام محمدعباس المعروف به محمدعبدالله خلف حکیم سید رعایت‌علی رضوی عظیم‌آبادی از اوراق پریشان نسخه قدیمه این کتابخانه عمومیه به حسب فرمایش محبی و معتمدی جناب شهاب‌الدین خدابخش خان صاحب به عجلت و تنگی وقت فراگرفته شد»^۱.

این نسخه نقل شده «اخبارالاصفیا» تحت شماره ۱۸۸ در کتابخانه خدابخش نگهداری می‌شود. اما قبل از نسخه‌برداری، نسخه قدیم و اصل «اخبارالاصفیا» نقصان زیاد پذیرفت. احوال پانزده صوفی در متن کتاب نیست، که اسامی آن‌ها در فهرست کتاب آمده است. شاید آن برگ‌ها که در آن احوال این صوفیان گنجانیده شده بود، آسیب دیده و تلف شده است.

خانواده محترم شیخ عبدالصمد جامع شریعت و طریقت بود. عبدالصمد مرید سلسله قادریه بود. ایشان در خدمت صوفیه حاضر می‌شد و از آن‌ها فیض برمی‌داشت؛ به طوری که در احوال صوفی معاصر خویش شیخ پیر میرتهپی^۲ می‌نگارد:

«امروز روتق‌بخش محفل وجد و سماع است. در هزار و هفده که از میرته به دارالخلافة آگره نزول فرمود، نگارنده این قدسی‌احوال عبدالصمد

۱. اخبارالاصفیا، نسخه خطی خدابخش، ورق ۱۱۴.

بن افضل محمد مکرر به شرف ملازمتش رسید و گوناگون کرامات معاینه کرد^۱.

عبدالصمد از دیرباز می‌خواست که در احوال «پاک‌نهادان هندوستان» کتابی بنویسد. اما خوف جسارت نسبت به صوفیه کرام ایشان را از این کار باز می‌داشت. صاحب‌دلی از بیم دل عبدالصمد به اشراق باطن آگاه شد و ایشان را تشویق نمود که این کار را به انجام رسانند. به موقع تخت‌نشینی نورالدین جهانگیر (۱۰۱۴هـ) این کار آغاز شد و در اندک مدت به پایان رسید. عبدالصمد نام این کتاب را «اخبار الاصفیا» نهاد. با آن‌که مصنف ادعا کرده که در احوال بزرگان از عبارت‌پردازی خودداری کرده است اما از مقدمه این کتاب هویدا است که او عبارت‌آرایی و دشوارپسندی را به کار برده است. در مقدمه این کتاب، پس از حمد و صلوة می‌نویسد:

«اما بعد چون ذره کوی خاکساری عبدالصمد بن افضل محمد یوسف انصاری را در ریعان شباب که هنگام دانش‌افروزی و پیش‌افزایی است، شعله شوق سخن‌طرازی گرفت، هر جا نکته‌ای از اکابر می‌شنید، به پای طلب شتافته، گلشن آگهی و گلبن دریافت را سیراب و ریّان می‌گردانید. بحار سخن در تموج آمد و بخار فکر بر اوج رفت. چشمه معنی سرشار شده، و فواره خامان به‌نگارش احوال پاک‌نهادان هندوستان و گزارش آیین خداپرستان که ملک زندگانی به کام عبادت و ریاضت درنوردیده و طیلسان عشق و محبت بر دوش خود کشیده، به شادخواب نیستی درشده‌اند، برجوشید. به خاطر ریخت که دست به کار بزرگ زدن پای ادب از دایره انداز بیرون نهادن است، تا از اجله وقت ایما و امداد نرود، این آرزوی شگرف از نهان‌خانه بطون بر صفحه ظهور جلوه‌گر نگردد. و این اندیشه صاحب‌دلی که تجرد را از تعلق برگزیده، پای تکاپو به بیشه توکل زده، در کنج خمول به سر می‌برد، به اشراق باطن آهنگ ضمیر دریافته ترغیب فرمود. لیکن از کج‌بازی چرخ و ناسازگاری روزگار توفیق رفیق نمی‌شد، و وقت مساعد نمی‌گشت که گوهر سخن را

۱. اخبار الاصفیا، نسخه خطی خدابخش، ورق ۱۱۱.

به الماس خرد سفته، در رشته بیان کشیده، زینت نوعروسان ملک معنی گرداند. تا آن‌که شاهنشاه بیدار بخت، رونق بخش دیهیم و تخت، کشورگشای دادگستر، فرمانروای دهرپرور، شهریار کامگار ملک‌گیر و ملک‌شکار، صبح جهان خردمندی، شمع ایوان همت و بلندی، مطلع آفتاب عز و اقبال، مظهر انوار جاه و جلال، خدیو زمان، خداوند دوران، ابوالمظفر نورالدین محمد جهانگیر بادشاه غازی خلدالله ملکه و سلطنته در سال هزار و چهارده هجری (۱۰۱۴هـ) افسر جلال بر تارک اقبال مانده بر اورنگ سلطنت نشست... در این ایام نهال آرزو به بالش درآمده، غنچه مراد شکفتن پذیرفت. شب‌دیز کلک را به میدان کاغذ جولان نمودم، و اشهب اندیشه را به صحرای سخن عنان‌ریز گشتم. اگرچه مطلب آن بود که این باده نو بوستان معنی را به تازه‌آیین که دل‌آویز دانشوران دشوارپسند تواند شد، ترتیب دهم، اما چون مقصود ذکر احوال مشایخ هندوستان بود، همت بدان شتافت که بار حقوق آن‌ها از روش عقیده و اخلاص بردارم، و بر جریده روزگار حرفی چند نویسم که آویزه گوش خرد و بزرگ گردد. ناچار دل از دشوارپسندی و عبارت‌آرایی برداشته بر در توفیق نشستم، و در نگارش مدعا به رنگ‌آمیزی انشاء که در حقیقت از معنی به صورت گراییدن دکان خودفروشی چیدن است، نپرداخته، به فراهم آوردن گزین داستان خداپرستان کمر سعی بریستم. از گوناگون احوال بزرگان تحریری محققانه به ترتیب شایسته و انتظامی درست به نظر درنیامده بود... قلم در تحریر آن جرأت ننمود، و حکایات غریبه و مکاتبات عجیبه این خداسیدگان نیز در این کتاب ثبت کردم... و دیگران به سال‌ها نتوانند یافت، در اندک‌روزگار به دست آوردم. ناظوره مراد به خلعت اختتام آرایش یافت و به «اخبارالاصفیا» موسوم گشت»^۱.

عبدالصمد کتب انشاء مانند «انشای ابوالفضل» و «مکاتبات ابوالفضل» را ویرایش و تدوین کرده بود، لذا نمونه‌های عبارت‌سازی و عبارت‌پردازی در «اخبارالاصفیا» دیده

۱. اخبارالاصفیا، ورق ۳، ۲.

می‌شود. مثلاً در ذکر شیخ سلیم چشتی^۱ می‌نویسد:

«در نُه‌صد و چهل و چهار بر کنگره سیکری که اکنون به فتح‌پور مشهور است، از آن اختیار نموده تأهل نمود و فرزندان تباثر والاقدر بلندفطرت به ظهور آورد و در نُه‌صد و هفتاد به تازگی خاک فتح‌پور را به مقدم گرامی خود عزت کحل‌الجواهر گردانید»^۱.

مصنف در آغاز این کتاب ذکر خیر از حضرت شیخ عبدالقادر جیلانی^۲ کرده است. خودش می‌نویسد که او مرید این سلسله است، لذا از ذکر حضرت شیخ جیلانی^۲ آغاز کرده و عنوان کتاب ساخته:

«چون این خاک‌نشین کوی ناکامی مرید این سلسله عالیه است، تبرکاً و تیمناً ذکر آن مطلع ولایت را رونق‌بخش اولیای هندوستان گردانیده، عنوان این کتاب ساخت»^۲.

نویسنده عبدالصمد از ذکر خرق عادات و کرامات خودداری نکرده است. در مقدمه کتاب نوشته است: «حکایات غریبه و مکاتبات عجیبه این خداریسیدگان نیز در این کتاب ثبت کردم». وی در ذکر شیخ علی^۳ راوتی^۳ چنین نگاشته است:

«از متقدمین اولیاء است. گویند به حکم پیغمبر علیه‌السلام از عربستان به هندوستان آمد، و چون گذرش به قصبه متھرا افتاد، رخت اقامت انداخت. از گاو سنگین که کفار پرستش می‌نمود، شیر دوشید و تا عرصه حیات بود از شیر او قوت ساخته»^۳.

همچنان در ذیل کرامات شیخ اخی سراج^۴ نوشته است:

«نقل است روزی اطفال از شیخ شیربرنج طلب کردند. شیخ همه را گرفته به دریا انداخت. والدۀ خردان در بی‌تابی و بی‌طاقتی شدند. هرچند شیخ تسلی می‌کرد، سودمند نمی‌افتاد. چون بسیار تنگ آوردند، دست به دریا کرده آن‌ها را

۱. اخبارالاصفیا، ورق ۸۵

۲. همان، ورق ۴.

۳. همان، ورق ۷.

به درآورد. دست آن‌ها را از شیر برنج آلوده یافت»^۱.
 شیخ صفی بدهنی^۲ نیز اهل کرامت بود و مصنف خرق عادتش را نیز شرح داده است:
 «گویند وقتی که عساکر مغل به هندوستان آمد. خواجه قطب‌الدین اوشی و
 شیخ با چندین هزار کس اسیر گشتند. چون از گرسنگی و تشنگی کار زندانیان
 دشوار شد خواجه به یآوری خوان کرم هرروز گرم کاکلی از زنبیل خویش
 برآورده می‌داد»^۲.

از واژه‌های «گویند» و نقل است، آشکار می‌شود که مصنف از حکایت‌های گفتاری
 نیز بهره برده است. اما اساساً ایشان کتب معتبر تصوف و تاریخ را منبع خویش
 قرار داده، و از اهل صوفیه هرکس که کتاب از خود به یادگار گذاشته‌اند، مصنف در
 ذکر احوال آن‌ها کتاب‌هایشان را هم بررسی کرده‌است. مثلاً در ذکر امیرخسرو
 تصنیفاتش اعجاز خسروی، وسط‌الحیات، بقیه نقیه، تحفة الصغر و غیر از این را تذکر
 داده است. همچنین در ذکر حضرت شیخ شرف‌الدین یحیی منیری کتاب‌هایش مکتوبات
 صدی، فوائد رکنی، ارشاد الطالبین، معدن المعانی و خوان پرنعمت و غیر از این را شرح
 داده است. صوفیه دیگری که وی تصانیف آن‌ها را متذکر شده، از این قراراند:

۱. میرحسینی سادات: کنز الرموز، زاد المسافرین، گلشن راز، روح الارواح،
 صراط مستقیم، دیوان اشعار؛
۲. شیخ نور قطب عالم بن شیخ علاء‌الحق: انیس الغرباء، مونس الفقراء؛
۳. شیخ عبدالله شطاری بن شیخ بهلول: شرح السالکین، انیس المسافرین، کنز الاسرار،
 اشغال شطاریه، رساله غوثیه.

مصنف از ارزش مکتوبات و ملفوظات صوفیه باخبر بوده و مکتوباتی که حاوی
 کمالات روحانی و حامل کیفیات الهامی بوده را نقل کرده است. مثل مکتوب شیخ
 حمیدالدین ناگوری:

«فقیر خاک راه درویشان است و به جان و دل مرید ایشان. مکتوب شریف

۱. اخبار الاصفیا، ورق ۳۹.

۲. همان، ورق ۹.

رسید. بر مردمک دیده نهاده شد. در زیور مهتر داود علیه‌السلام آمده است که چون ذکر مدام حجاب قرب می‌باشد، و قرب مدام حجاب انس، نعمت وصل در توقف می‌افتد. اگر تواند از عالم گفتگوی روی به عالم جستجوی آر، تا بو که جمال معنی در نظر آید و از عالم نهان باخبر باشد.^۱

و اینک مکتوب دیگر شیخ نور قطب عالم که بی‌بقایی جهان را شرح می‌دهد: «مکتوب بیچاره حزین نور مسکین عمر به باد داده، بوی از مقصود نیافته، در تیه جرأت و میدان حسرت جو کوشیده، عمر از شصت گذشت و تیر از شصت جست، و از سر نفس اماره یکساعت نرست. جز باد در دست و آتش در جگر و آب در دیده و خاک بر سر نیوست. جز ندامت و خجالت دست‌آویزی نه، و جز درد راه پای گریز نه»^۲.

مصنف عبدالصّمد نه تنها علاقه به تصوف داشت، بلکه به شعر فارسی هم گرایش داشت. به همین سبب شعرای چیره‌دست زبان فارسی شامل این کتاب هستند و یکی از آنها قاسم گاهی است که تاریخ وفاتش را شاعر برجسته فیضی چنین گفته است:

افسوس که شد قاسم گاهی فانی در گلشن دهر گرم سرافشانی

تاریخ و مه و سال وفاتش جستند گفتم دوم از ماه ربیع‌الثانی

«اخبار الاصفیا» اساساً تذکره صوفیه است، اما از لحاظ تاریخ و فرهنگ و جامعه‌شناسی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. زیرا مطالعه آن ما را به اعماق جامعه آن‌روز می‌برد. به علاوه در این تذکره ایده‌آل‌های سیاسی بسیاری می‌بینیم که سلاطین می‌دانستند و می‌شناختند. مثلاً از همین تذکره اطلاع می‌یابیم که جهانگیر بادشاه به کلام عارفانه رغبت زیاد داشت، و در حضور او سرایندگان کلام منظوم عرفانی می‌خواندند. مصنف در ذکر شیخ سیف‌الدین (پدر شیخ عبدالحق محدّث دهلوی) نوشته است که به دربار بادشاه جهانگیر محفل سماع برپا بود و به مجرد

۱. اخبار الاصفیا، ورق ۱۵.

۲. همان، ورق ۳۷.

شنیدن این شعر درویشی، جهان فانی وداع گفت. مصنف شرح می‌دهد:

«شیخ سیف‌الدین، که خلف گرامی او شیخ عبدالحق، امروز به کمالات صوری و معنوی مستعد است و دهلی به وجود او مفتخر و شیخ حسین نقشی که فرزند رشیدش شیخ علی‌احمد که نادره عصر و ضرب‌المثل بود و خود را از فدویان شیخ نظام‌الدین بدایونی می‌گرفت، و با فراوان تعلق جوش تجرد می‌زد و کمر همت بامداد و اعانت فقرای باب‌الله بسته می‌داشت. شب نوزدهم محرم هزار و نوزده، در محفل شاهنشاه ابوالمظفر نورالدین جهانگیر شاه، قوال این بیت می‌سرایند:

هر قوم راست راهی، دینی و قبله گاهی من قبله راست کردم بر سمت کج کلاهی
 شیخ علی احمد آهی کشید و جان به جهان آفرین سپرد»^۱.

«اخبار الاصفیا» تذکره مهمی است که احوال بیش از دو صد و شصت صوفیه را در بردارد. به سبب خویشاوندی با ابوالفضل مصنف عبدالصمد از چگونگی اوضاع سیاسی و اجتماعی آن زمان کاملاً اطلاع داشت. لذا این کتاب با وجود آن‌که تذکره صوفیه است، جنبه‌های تاریخ را هم داراست. مثلاً در ذکر شیخ ابوالفتح مکی شیرشاه سوری و محاصره قلعه کالنجر را شرح داده است. عبدالصمد صوفیه هر سلسله را گرامی می‌دارد و در بیان صوفیه سلسله‌های مختلف فرقی نمی‌گذارد. ایشان تذکره صوفیه را معمولاً به اختصار بیان کرده است، اما رویداد خانواده خویش را مشروحاً تذکر داده است، به سبب این‌که احوال مفصل خانواده‌اش در دست او بوده است. قبل از «اخبار الاصفیا» تصنیف شیخ عبدالحق محدث دهلوی «اخبار الاخیار» به وجود آمده بود و مصنف «اخبار الاصفیا» از آن بهره بسیار برده است. به همین سبب صوفیه زیادی در هردو کتاب مشترکند، اما روش نگارش هردو نویسنده، نه تنها «اخبار الاخیار» و «اخبار الاصفیا» را مجزاً می‌کند، بلکه ویژگی و هویت «اخبار الاصفیا» را به اثبات می‌رساند.

۱. اخبارالاصفیا، ورق ۷۸.

منابع

۱. اخبار الاصفیا، عبدالصّمد بن افضل محمد، نسخه خطّی خدابخش، شماره ۱۸۷، ۱۸۸.
۲. اخبار الاخیار فی اسرار الابرار، شیخ عبدالحق محدّث دهلوی، تصحیح دکتر علیم اشرف خان، انجمن آثار مفاخر فرهنگی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۳ ش.
۳. مکاتبات علامی ابوالفضل، (دفتر اول) مرتب عبدالصّمد بن افضل محمد، نول کشور، ۱۲۸۰ هـ.
۴. خدابخش لائبریری جرنل، شماره ۶۹، ۷۴، پتنه، مدیر، عابد رضا بیدار، ۱۹۹۲ م.
۵. اسلام اور عصر جدید، دہلی، مدیر، دکتر سید عابد حسین، شماره اپریل، ۱۹۷۵ م.
6. Catalogue of Persian manuscripts, Khuda Bakhsh Oriental Public Library, Patna, Vol. viii, By Molvi Abdul Muqtadir Khan Bahadur, 1925.